

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ مارچ ۲۰۲۳

جایگاه پاکستان در ستراتیژی جهانی امپریالیسم امریکا!

(۲)

چهارشنبه- ۱۰ حوت ۱۴۰۱ - کابل:

بادر نظر داشت نکاتی که در قسمت نخست این نگاشته آمد، اکنون می توانیم راجع با جایگاه پاکستان در ستراتیژی جهانی و منطقه ئی امپریالیسم امریکا و کلیت ناتو بحث نمائیم:

در قسمت قبل یادآور شدیم که امپریالیسم امریکا از دولت پاکستان عمدتاً در سه زمینه استفاده می نماید، حفظ امنیت شیخ نشین های خاور میانه، امکان وصل کشور های آسیای میانه به بحر هند و ایجاد یک مانع در قسمت نزدیکی بیشتر روسیه و هند. در این قسمت می بینیم که آیا تا هنوز آن خواستها که در ربع چهارم قرن بیستم به خصوص آخرین دهه آن برای امپریالیسم امریکا اولویت و ارزش داشت، تا کنون همان اهمیت و ارزش را دارند و یا تغییر اوضاع منطقه و جهان، اثری بر وزن و نقش پاکستان نیز در آن زمینه ها گذاشته است.

*- وقتی به اوضاع خاور میانه در ربع آخر قرن بیستم نظر می اندازیم دیده می شود که از یک جانب نفرت ضد امریکائی بر مبنای مبارزات قهرمانانه خلق های ویتنام، کامبوج، لاوس و سایر خلقهای جهان، به مانند بقیه جهان در خاور میانه به حد اعلای آن رسیده بود، از طرف دیگر اتحاد جماهیر شوروی متوفا نیز که بعد از احیای سرمایه داری در آن کشور، تلاش می ورزید تا در امور سایر کشور ها به نفع خود مداخله نماید، دست درازی هائی در امور کشور های کوچک خاور میانه یا مستقیماً خودش و یا هم توسط نیروهای طرفدارش مانند عراق، سوریه و حتا تا مقطعی مصر و بعد ها لیبیا مداخلاتی به نفع خودش انجام دهد.

این فضاء در شرایطی وجود داشت که از یک جانب تمام قدرت های طرفدار امریکا مانند عربستان سعودی سخت ضعیف و نیازمند کمک بودند، از جانب دیگر نه روابط دوستانه و نزدیک با اسرائیل داشتند و نه هم از قوای مسلح و پایگاه های امریکائی در منطقه خبری بود. در چنین شرایطی نخست "دولت شاهی ایران" و بعد تر با سقوط شاه و استقرار "رژیم ولایت فقیه" تنها پاکستان می بایست در تمام آن کشور ها با دفاع از حاکمیت های وابسته به امریکا، جایگاه خاصی را در ستراتیژی کلی امپریالیسم امریکا برای خودش داشته باشد.

اما امروز همزمان با سقوط شوروی و اقمار عربی آن از عراق صدام گرفته تا سوریه اسد و لیبیای قذافی، از یک جانب دولت های خاور میانه خودشان به مجهز ترین زرادخانه نظامی امپریالیسم امریکا مبدل شده اند از جانب دیگر

روابط خیلی نزدیک با اسرائیل برقرار نموده و امپریالیسم امریکا نیز در چندین کشور خاور میانه و خلیج فارس ضمن ایجاد پایگاه، مرکز فرماندهی "سنتکام" را به مثابه دفتر عملیاتی پنتاگون در منطقه به وجود آورده است، عملاً دیگر کسی نیازی به موجودیت پاکستان در آن کشور ها ندارد. واضح است که با از بین رفتن نیاز حمایتی و برگشتن اکثریت قریب به اتفاق اردوی پاکستان از خاورمیانه عربی به کشورشان، دیگر جایگاه و اعتبار سابق برای پاکستان در آن زمینه نماند؛

*- وقتی به روابط هند-روسیه و چین در ربع چهارم قرن بیستم نظر می اندازیم یعنی زمانی که شوروی با تمام توان نظامی به مانند یک سنگر تسخیر ناپذیر در مقابل تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا و کلیت ناتو ایستاده بود و می بینیم که دولت هند روی ده ها دلیل از جمله عضویت دولت پاکستان در پیمان های "شبه امریکائی سنتو و سیتو" نزدیکترین روابط را با شوروی متوفا داشت و کلیه تسلیحات خود را از همان طریق تأمین می نمود، واضح است که نقش و موجودیت پاکستان به مثابه یک دیوار مانع و حایل بین افغانستان تحت اشغال شوروی و هند از اهمیت بسزائی برخوردار بود. آنچه در آن زمان بر اهمیت دولت پاکستان نزد امپریالیسم امریکا و ناتو می افزود، مناسبات خراب بین هند و چین و شوروی و چین نیز بود. غرب با حرکت از این موضع که چین و شوروی - هند با هم اگر دشمن نباشند دوست یک دیگر نیستند، ضمن آن که روابطش را چین بهبود بخشید، به نقش پاکستان و روابط دوستانه اش با چین نیز مخالفتی نداشت.

با تغییر اوضاع منطقه به دنبال فروپاشی و اضمحلال شوروی و احیای سرمایه داری در چین که الزاماً خوستها و سیاست های جهانکشایانه و استعماری را نیز با خود داشت و دارد و تشدید مناسبات خصمانه بین چین و هند علی رغم سازش های تکنیکی در کنفرانس شانکهای و بریکس که زمینه را برای نفوذ امپریالیسم امریکا به هند استحاله یافته از هند طرفدار شوروی به هند ناسیونالیستی، مساعد ساخت تا ضمن نفوذ اقتصادی گسترده این کشور را در پیمان با استرالیا و جاپان با خود متحد ساخته خطر گرایش آشکار آن را به جانب روسیه و چین به حد اقل برساند، نمی تواند به مانند گذشته ها با پاکستان یعنی یکی از دشمنان ستراتیژیک هند زیاد نزدیکی نماید در نتیجه واضح است که دیگر پاکستان بر این بستر اهمیت سابق خود را از دست داده است؛

*- و اما به ارتباط نقش پاکستان در ارتباط دادن کشور های آسیای میانه در مسیر بیرون کشیدن آنها از زیر سلطه روسیه که در سه دهه اخیر اعتباری و اهمیتی برای پاکستان نزد امپریالیسم امریکا به وجود آورده بود، باید نوشت: از یک جانب اوضاع ناآرام و بی ثبات افغانستان که تمام پروژه های ارتباطی را ناکام ساخته است و از جانب دیگر، دخالت روزافزون ترکیه به مثابه متحد امریکا و یکی از اعضای ناتو در آن منطقه و تلاشهایی که در جهت پیوند تمام کشور های آسیای میانه به غرب از مجرای ترکیه صورت می گیرد، تأثیر منفی مستقیمی بر نقش و اعتبار پاکستان نزد غرب به خصوص امپریالیسم امریکا گذاشته، می شود گفت هر چند در این زمینه به مانند دو زمینه قبلی تاریخ مصرفش سپری نشده است مگر از آن اهمیت دیروزی نیز برخوردار نیست.

هموطنان گرامی!

اوضاع اقتصادی بی ثبات پاکستان که تا حد زیادی به علت محروم شدن از دریافت کمکها و مساعدتهای بیدریغ و سخاوتمندانه جهان عرب و امپریالیسم امریکا می باشد از یک جانب و چگونگی تکامل تضاد ها در سه واحد دیگر یعنی اروپا، شرق دور و خاورمیانه از سوی دیگر، هر چند نه به اندازه گذاشته بلکه در مقیاس بسار محدود ارزشی برای پاکستان نزد غرب به خصوص امپریالیسم امریکا گذاشته است، باعث می شود که پاکستان در یکی از بحرانی ترین دورههای حیاتش از لحاظ دیپلماتیک به سر ببرد.

یعنی در صورتی که امپریالیسم امریکا در رویارویی با سه تضاد دیگر به خصوص مسأله روسیه و اوکراین شکست بخورد، مسلم است که روسیه، چین و ایران و حتی هند، انگلوساکسونها را تا عقب دروازه های خودشان تعقیب خواهند نمود، معنای چنین اوضاعی برای پاکستان چیزی به جز سیر قهقهرائی با خود نخواهد داشت، هرگاه امپریالیسم امریکا در این تقابل بالقوه پیروز گردد، پاکستان باز هم همان جایگاه قبلی خود را نزد امپریالیسم امریکا و جهان غرب باز خواهد یافت.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!